

خداوند چیست؟

گردآوری : شارمین مهر آذر

Sh.mehrazar@gmail.com

"وقتی کودک بودم از خدا میخواستم که به من یک دوچرخه هدیه بدهد، بعد از چند سال دیدم خبری از دوچرخه نیست، یک دوچرخه دزدیدم و از آن پس از خدا خواستم که مرا ببخشد، گویا خدا اینگونه کار میکند." ناشناس

تعریف کردن کلمه خداوند بسیار مشکل ساز است، زیرا هر یک از خداپرستان از ادیان مختلف و حتی بی دین برای خودشان تصورات متفاوتی از خداوند دارند و این اجازه را به خود میدهند که خداوند را آنطور که خود میپندارند تعریف کنند. میتوان گفت به تعداد انسانهای موجود بر روی زمین خداوند وجود دارد و خدایان مختلف ویژگیهایی را دارند که خداپرستان مختلف آنها را میپرستند.

مثلا خدای آیت الله خمینی یک خدای ضد امریکا است و از لیبرالیسم و دموکراسی متنفر است و خدای جورج بوش یک خدایی که به امریکا برکت میدهد و امریکا را دوست دارد و از کمونیسم و القاعده متنفر است. خدایی که هیتلر به آن اعتقاد داشت هیتلر را بر بقیه نژادها برتر میدانست و خلاصه اینکه خداوند فاحشه ایست که همگان با او همبستر میشوند و او را از جنس خود میدانند. شخصیت افراد را از خدایی که تصور میکنند میتوان فهمید، اگر شخصی اعتقاد دارد که خدا مهربان است و همه را میبخشد میتوان دانست که او مهربان و باگذشت است، اگر شخصی مثل حضرت محمد خدایش جنایتکار و است و سادیست و عقده دارد و در حلق کافران مس ذوب شده میریزد میتوان دانست که این شخص خودش چنین خلق و خویی داشته است و همین به سادگی نشان میدهد که بشر خداوند را می آفریند نه خداوند بشر را. اسپینوزا فیلسوف یهودی الاصل هلندی با مطالعه دقیق کتب دینی به نتیجه ای مشابه رسید و گفت "اگر مثلث میتوانست صحبت کند، خدا را به شکل یک مثلث معرفی میکرد و اگر دایره میخواست خدا را تصور کند وی را دایره وار تصور میکرد."

همه انسانها آنچه خود میخواهند را به خدا میچسبانند و دشمن خود را دشمن خدا میدانند و این قصه ایست که مدام تکرار میشود. اما واقعا ببینیم خداوند چیست؟

خداوند موجودیست افسانه ای، همچون جن، پری، سیمرغ، دراکولا و امام زمان، که انسانها چون در مقابل نیروهایی طبیعی و مادی احساس ضعف میکردند اختراع (و نه کشف) کرده اند تا خود را با آن گول بزنند و خود را بی پشت و پناه احساس نکنند. انسانها در مقابل مرگ احساس ضعف میکردند و نمیخواستند باور کنند مرگ نابودی ابدی جسم آنهاست. در مقابل طبیعت احساس ضعف میکردند و نمیخواستند قبول کنند طبیعت میتواند برای آنها تصمیم بگیرد، برای همه این ترسها و بیم ها خداوندانی را خلق کردند تا مانند برادر بزرگتری همراه آنها باشد و از آنان مواظبت کند. اعتقاد اکثر خداپرستان بر این است که خداوندشان، چه الله باشد، چه یهووه، چه مسیح، چه اهوره مزدا، چه زئوس و میترا و آتون و هرا و... چند ویژگی دارد:

- یک موجود/وجود است و وجود داشتن او عینی است.
- خالق است.
- دارای شخصیت است، دارای شعور و اختیار است.
- ناظم و نگهدارنده و ناظر است.
- خیر و نیک است.
- مهربان است.
- زیبا است.
- بزرگ است.
- بخشنده و عادل است.
- ماورای طبیعت است و غیر مادی و غیر فیزیکی و بدون بدن، و ماوراء طبیعی) [ناچورالیسم](#)، [طبیعتگرایی چیست؟](#) (است).
- ازلی و ابدی است و جاودان است.
- بدون اشکال و کامل است.
- در ذات خود ثابت است.
- بینهایت است.
- مقدس است.
- تماماً زیبایی و والایی است.
- قدرتمند و قادر، و قدیر است.
- دانای کل، و علیم است.
- همه جا حاضر است.

گذشته از اینکه خیلی از این صفت ها اصولاً نمیتوانند وجود داشته مانند "خالق و قادر مطلق" و یا اینکه باهم تضاد دارند مانند "عادل و بخشنده" میزان دارایی این صفت ها در ادیان مختلف بسیار متفاوت است. اما دو ویژگی اول را میتوان برای خدا، بین خداپرستان مشترک دانست.

بشر چون بسیاری از علت ها را در گذشته نمیدانسته و از گفتن نمیدانم در هراس بوده و دلایل بسیاری از معلول ها را نمیدانسته است، یک خداوند را فرض کرده است و آنرا "علت العلل" دانسته برای اینکه ندانسته ای نداشته باشد، هرچند که خلق و اختراع حقیقت جایز نیست و حقیقتی که اختراع شود

خرافه است، حقیقت را باید کشف کرد! تا اینکه بشر دریافت نداشتن خود را نباید با پناه بردن به موجودات افسانه ای پنهان کند، نادانسته همان نادانسته هست تا اینکه دانسته شود! اما خداوند همچنان از دوران فرار انسان از نادانسته هایش تا به امروز به یادگار مانده است. خدایان در طول تاریخ تفاوت‌های بسیار کرده اند و کاملتر و پیچیده تر شده اند و یک نگاه مختصر به تاریخ هر ملتی نشان میدهد آن ملت هر چه در دانش و فلسفه بیشتر پیشرفته میشدند خدایانشان نیز به همین نسبت پیشرفته تر میشدند این بخوبی نشان میدهد که خدایان ساخته و پرداخته ذهن بشر هستند. به قولی میتوان گفت این خدا نیست که ادیان را روی زمین میفرستد، بلکه ادیان هستند که خدا را روی آسمان میفرستند. انسانها که خود را موجودات موقتی میدانسته اند و موجودیت خود را از موجودات قبلی میدانسته اند، موجود اولیه را که یک موجود اشتباه هم هست "واجب الوجود" نامیده اند، که این را میتوان تعاریف دیگری برای خداوند دانست. یکی از بزرگترین اشتباهاتی که انسانها را به خدا باوری میکشاند قضیه خدای حفره ها است،

قابل توجه است که در زبان فارسی کلمه خدا به "به خود آمدن" نیز اطلاق میشود که این معنی هرگز مورد نظر بیخدایان نیست. در بررسی وجود خدا به تعریف فلسفی آن که ارائه شد پرداخته میشود نه به این معنی که تنها ویژه زبان فارسی است.

هر دینداری به نوعی بیخدا نیز هست، خدایانی که در روزگاری پرستش و ستایش میشدند امروزه خرافات و افسانه حساب میشوند، بعنوان مثال شما امروز کسی را پیدا نمیکنید که به "Saturn" یا زحل خدای رم باستان اعتقاد داشته باشد، یا کسی که به سیستم خدایگان یونان باستان یعنی ونوس و آپولو و خدای خدایان زئوس اعتقاد داشته باشد. هر چند همچنان هندو ها برای هر چیزی خدایی دارند، مثلاً خدای حیات، خدای زمین، خدای پول و مسیحیان به تثلیث اعتقاد دارند. هر خداپرستی یک بیخدا نیز هست، زیرا خدایان بقیه ادیان را قبول ندارد. بعنوان مثال یک مسیحی به الله، اهوره مزدا، زئوس، هرا و... اعتقاد ندارد و عیسی را پدر و خدای خود میدانند، یک مسلمان تنها الله را قبول دارد و زئوس و اهوره مزدا و یهوه (با تعریف مسیحی آن) را قبول ندارد. یکتاپرستان هندو ها و چندخایی را مسخره میکنند و فکر میکنند آنها مشتی دیوانه هستند و هندو ها و سایر ادیان و حتی فرقه های دینی همه یکدیگر را و خدای یکدیگر را به شدت رد میکنند اما هر کدام از آنها سیستم خدایی خود را قبول دارند. بنابر این یک خدا باور همانند یک بیخدا تمامی خدایان را خرافی میدانند اما تفاوت این دو این است که خدا باوران همان یک خدایی که خدا باوران قبول دارند نیز قبول ندارند.

خدا کجاست و چگونه است؟ ادیان مختلف برای خدایانشان جاها و ماهیتهای مختلفی را در نظر دارند، بعضی ها میگویند در آسمان است، بعضی ها میگویند همه جا هست، بعضی ها (از روی قرآن) میگویند بر روی عرش نشسته است، بعضی ها (از روی تورات) میگویند با داوود کشتی گرفته است، بعضی ها (از روی جهالت) میگویند میتواند با من حرف بزند. خدایان بسیاری همچون زئوس در طول تاریخ مرده اند و به افسانه تبدیل شده اند و روزگاری فرا خواهد رسید که الله و یهوه و... نیز به افسانه های مضحکی تبدیل خواهند شد و ما بیخدایان معتقدیم آن روزگار فرا رسیده است و الله و یهوه و خدای مسیحیان و اهوره مزدا و شیوا نیز به قبرستان خدایانی همچون رع یا آمون مصری، مردوخ بابلیان و بعل فنیقیان زئوس یونانیان و ژوپیتر رومیان تعلق دارند و تاریخ مصرفشان تمام شده است. خدایان مرده اند و در

مغزهای خردمندان جایی برای خدا باقی نمانده است چرا که بسیاری از فلاسفه بزرگ چند قرن اخیر از [فلاسفه بیخدا](#) بوده اند.

ادیان بازی هایی هستند همچون شطرنج و تخته نرد که از مشرق زمین وارد شده اند.

توسط آرش بیخدا